

خیلواکی



استقلال

www.esteqlaal.net

پنجشنبه ۱۲ دسامبر ۲۰۱۹

مرجان کمال

تحریک طالبان

نویسنده: مرجان کمال به زبان فرانسوی

مترجم: فریده نوری

قسمت چهل و نهم

بیابان تا بیابان ناله دارم در این دنیا گل گم کرده دارم
اگر جویم گلم در این بیابان به مثلِ بلبلِ من ناله دارم



به ادامه گذشته:

در جنوب کشور، برعکس یک انسجام و یکپارچگی غیر قابل باور در بین قومندان های رقیب تحت یک مدیریت سیاسی واحد دیده می شود. دو ساحه خود را مشخص می کنند و تشکیل یک کمر بند قبیله ای به دور شهر قندهار می کشند:

ولسوالی ارغنداب در شمال شهر و ولسوالی های دند و دامان در جنوب، که دلالت به ولسوالی هائی می کنند که دارای یک انسجام نسبی در مقایسه به بقیه ولایت می باشند. در ولسوالی ارغنداب قبیله الکوزی و در دو ولسوالی دیگر که عبارت از دند و دامان است، پوپلزایی ها زندگی می کنند، که این دو قوم صاحب اقتدار هستند.

ملا نقیب الله عضو جمعیت ربانی و از جمله زورمندان ولسوالی ارغنداب می باشد، و این برایش اجازه می دهد تا از به وجود آوردن ساختار های خود مختار در شهر قندهار توسط رقبای دیگر جلوگیری نماید.

پوپلزایی ها یک فرد زورمند خاص ندارند. برعکس قبیله های دیگر دارای تیکه داران قبایلی می باشند، مثال آن حاجی عبدالحلیم، قومندان حزب اتحاد اسلامی سیاف در ولایت قندهار مربوط به قوم نورزی یکی از آن چهره ها می باشد. قبیله که وی را حمایت می کند یک قبیله مهم است که یک قلمرو وسیع را با الکوزی ها، که تیکه دار اصلی آن ملا نقیب الله از حزب جمعیت می باشد، اداره می کنند.

به این ترتیب باوجود تجمع بزرگ ثروت در این ولایت، که در حقیقت یک چهار راه سرازیر شدن قاقاق می باشد، در نقطه تقاطع عبوری سپین بولدک که از آن جا یک سرک به طرف کابل و یک سرک به طرف ولایت هرات می رود و در آن جا یک راه اتصال به طرف ایران و یکی دیگر به طرف ترکمنستان دارد، لیدرشف های متفاوت همیشه در زد و خورد و نزاع هستند.

در هزاره جات، مناطق مرکزی کشور، یک تمرکز یا گرد هم جمع شدن چندین حزب شیعه تحت لیدر شف حزب وحدت تأسیس گردید، در هر یک از مناطق، انحصار قدرت، نسبت موجودیت بعضی از حلقات حزب اسلامی تضمین نیست، زیرا حزب اسلامی به صورت منظم باعث اذیت و درد سر می شود. مبارزه بین قومندان های رقیب سبب خشونت های زیاد در قریه جات و بی امنی همیشگی بالای راه های ارتباطی و همچنین خشونت های شدید در داخل شهر ها می گردد.

در ولایت غزنی لیدر شف قاری بابا از حزب اتحاد اسلامی سیاف می باشد، باوجودی که مورد اعتراضات دیگر قومندان ها می باشد، لکن می کوشد که از درگیری و زد و خورد جلوگیری کند. قدامت و مغلق بودن ساختار های اجتماعی خاص در ولایت غزنی ممکن دلیل برقراری موازنه در بازی های قدرت و اقتدار باشد. از جانب دیگر موجودیت چند جنگ سالار پر قدرت در ولایت غزنی، مانع بهره برداری از خصومت های هویتی می شود.

اگر در ولسوالی های هزاره نشین نزاع و زد و خورد بین الشیعه (intra - shiites) بسیار مهم است، اما درگیری های بزرگ بین گروه های متخاصم وجود ندارد، و یک نوع موازنه بین افراد متخاصم محلی ایجاد گردیده است، که تا اندازه شباهت به شورای ننگرها دارد، که به عین ترتیب لاکن در یک اوضاع مختلف عمل می کند.

برعلاوه در غزنی به صورت عنعنوی و فرهنگی قوم های خورد پشتون زندگی دارند که کمتر قبیلوی بوده و زیادتیر در مناطق خشک و بایر حیات به سر می برند، که همین دلیل باعث رو آوردن شان به طرف شبکه های مدارس که به تعداد زیاد در منطقه وجود دارد، می گردد. این مدارس خود را به حیث ساختار های اجتماعی تحمیل می کنند. تعداد این مدارس در مناطق محصور شده از زمان جهاد علیه شوروی ها زیاد گردیده است.

بالاخره قاری بابا یک شخصیت می باشد که دارای اقتدار و صلاحیت فوق العاده بوده و ولایت را با مشیت آهنین رهبری و متضمن ثبات نسبی این ولایت بعد از اشغال روس ها می باشد.

ولسوالی های ستراتیژیک: بسیار مهم و لازمی ست تا توضیح داده شود که عین مشخصات را در مناطق کاملاً مختلف نیز می یابیم، که نشان دهنده عین خصوصیات می باشند، مثال ولسوالی سرخ پارسا در اطراف کوتل غوربند مربوط ولایت پروان است.

کوتل غوربند، هزاره جات را از مناطق هموار که در شمال ولایت کابل موقعیت دارد، جدا می سازد.

این جایی است که باشندگان آن از هزاره های ترک - مغل (Turco - Mongole) که اکثریت شان شیعه (duodécimains ou ismaéliens) می باشند، مسکن گزین هستند. در مناطق هموار شمال کابل و ولایت پروان اکثراً تاجک ها که فارسی زبان هستند زندگی می کنند، لاکن در بعضی مناطق پشتون ها نیز جاگزین شده اند.

در زمان جنگ زمانیکه هزاره جات به دست هشت حزب شیعه بود در ولایت پروان شورای نظار مسعود سلطه گری داشت و در مناطق پشتون نشین پایگاه های حزب اسلامی گلبدین حکمتیار و در بعضی جا ها اتحاد اسلامی سیاف فعال بودند. همچنین حزب اتحاد اسلامی سیاف ولسوالی پغمان را که خودش نیز اصیل همین ولسوالی می باشد در کنترل دارد. ولسوالی پغمان در دامنه جنوبی ولایت پروان و غرب ولایت کابل موقعیت دارد.

ولسوالی سرخ پارسا که در بین هزاره جات و ولایت پروان واقع می باشد دارای مشخصات خاص است:

ولسوالی متذکره از دو دره کلان که از غوربند شروع می گردد تشکیل شده است: دره سرخ و دره پارسا.

مرکز ولسوالی از مردم مختلط هزاره و ترکمن تشکیل و بعضی قریه جات پشتون نشین نیز دارد، که در زمان پادشاهی اعلیحضرت نادر شاه در آن جا مستقر ساخته شدند. اما ولسوالی نشان دهنده خصوصیات خاص است، که عبارت از یک نقطه دخولی قبایل ترکمن سنی مذهب بوده و فعلاً در این دو دره مسکن گزین و مقیم شده اند.

دره اولی، دره سرخ از مردم مختلط هزاره و ترکمن و در دره دومی تنها قبایل ترکمن موقعیت دارند. در هنگام جنگ های داخلی اولاً جنگ و درگیری بین جمعیت و وحدت یعنی بین هزاره ها و تاجک ها درگرفت، بعداً جمعیت و وحدت یک جا علیه ترکمن ها جنگیدند، که هر کدام به نوبه خود نظر به داشتن قدرت، متناوباً قتل های فجیع را مرتکب شدند.

به این ترتیب کنترل این منطقه که یک منطقه مطلقاً محصور شده می باشد با وجودی که از کابل از نظر کیلو متر فاصله زیاد ندارد، لکن با موتر هفت ساعت راه و به پای سه روز را برای رسیدن به کابل در بر می گیرد. یک نقطه فوق العاده ستراتیژیکی مهم و بزرگ می باشد.

در این جا نیز عین پدیده های عمومی شدن خشونت های مسلحانه به صورت متواتر و مانند مناطق مشرقی از سبب مستقر شدن حزب اسلامی می باشد.

در این جا دو فکتور بسیار مهم دیده می شود یکی مستقر شدن احزاب مقاومت رقیب و دومی منطقه عبوری اقوام مختلف می باشد. که فکتور اولی در انگیزه و فکتور دومی به حیث وسیله نقش بازی می کند.

بسیار دلچسپ است که دانسته شود که مردم ترکمن دره سرخ کم تر محصور و زیادتر قابلیت دسترسی دارند نظر به مردمان دره پارسا، در این جا نیز مردم شاهد خشونت های مسلحانه می باشند.

در اخیر، این فرهنگ خشونت منشاء خود را از یک شکل تردید مستقر گردیدن دولت می گیرد.

ادامه دارد